

جایگاه کمی و کیفی جمعیت ایران در میان کشورهای اسلامی سال ۱۳۹۰ شمسی

الهام فتحی

مرکز آمار ایران

چکیده: کشورهای مسلمان با وجود پیشینه‌ی تاریخی- اسلامی چندین هزار ساله و امور مشترک فرهنگی- دینی به‌عنوان غنی‌ترین کانون فرهنگی تمدن جهان و دارا بودن منابع عظیم طبیعی، مزیت‌ها و ظرفیت‌های توسعه‌ای استثنایی، اغلب از مناطق کم‌تر توسعه‌یافته‌ی جهان محسوب می‌شوند.

وسعت کشورهای اسلامی بیش از ۲۹ میلیون کیلومتر مربع شامل ۵۹ کشور و دارای جمعیتی بیش از یک میلیارد و پانصد و نود و دو میلیون نفر است. به‌عبارتی این کشورها با دارا بودن حدود ۲۰ درصد از مساحت خاکی جهان بیش از ۲۲/۴ درصد از جمعیت دنیا را درون خود جای داده‌اند.

اعتقاد بر این است که آگاهی و شناخت نسبت به آمار و اطلاعات هر جامعه کمک شایان توجهی به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کشورهای اسلامی می‌نماید. لذا مطالعه‌ی حاضر به بررسی کمی و کیفی جمعیت و ویژگی‌های آن در کشورهای اسلامی پرداخته و سپس در هر شاخص جایگاه و موقعیت ایران را در میان کشورهای اسلامی نشان خواهد داد. به‌نظر می‌رسد تعیین جایگاه ایران در میان کشورهای منطقه کمک مؤثری در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و منطقه‌ای کشور خواهد داشت.

یافته‌های این بررسی حاکی از آن است که ایران از جمله کشورهای پرجمعیت و پهناور منطقه محسوب شده و از نظر شاخص‌های کیفی جمعیت نیز در جایگاه نسبتاً مناسبی در میان کشورهای اسلامی قرار گرفته است. با وجود این لازم است که با افزایش شاخص امید زندگی در بدو تولد و کاهش سطح مرگ و میر کودکان کم‌تر از یک سال تلاش‌های مضاعفی صورت پذیرد و از این حیث نیز جایگاه خود را در منطقه ارتقاء دهد.

واژگان کلیدی: جمعیت؛ کشورهای اسلامی؛ شاخص‌های جمعیتی.

دریافت: ۱۳۹۳/۱/۲۰، پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۳۰.

۱- مقدمه

کشورهای اسلامی کشورهایی هستند که دین رسمی آنها یا دین بیش‌تر جمعیت آنان اسلام است. از نظر موقعیت جغرافیایی بیش‌تر کشورهای اسلامی در مناطق خاورمیانه، آسیای میانه، شمال آفریقا و جنوب شرقی آسیا واقع شده‌اند. همه‌ی کشورهای اسلامی در سازمان کنفرانس اسلامی عضویت دارند. وسعت کشورهای اسلامی بیش از ۲۹ میلیون کیلومتر مربع شامل ۵۹ کشور با جمعیتی بیش از یک میلیارد و پانصد و نود و دو میلیون نفر می‌باشد. علاوه بر این کشورهای اسلامی ۷۴ درصد ذخایر نفت شناخته‌شده‌ی جهان و ۵۰ درصد ذخایر گاز جهان را دارا بوده و با در اختیار داشتن تنگه‌ها و آب‌راه‌ها و در مجموع ۲۰ درصد از مناطق آبی و خاکی مهم جهان از اهمیت سوق‌الجیشی و استراتژی ویژه‌ای برخوردار می‌باشند.

کشورهای اسلامی که در مجموع یک پنجم وسعت جهان را تشکیل می‌دهند نزدیک به چهار برابر وسعت قاره‌ی اقیانوسیه و در حدود ۳ برابر قاره‌ی اروپا و مقداری کم‌تر از کل وسعت قاره‌ی آفریقا می‌باشند. البته اگر نواحی مسلمانان‌نشین آسیای مرکزی، آسیای جنوبی، چین، اروپای شرقی و سایر نقاطی که محل سکونت اقلیت‌های مسلمانان است را به وسعت مزبور بیفزائیم، قلمرو جهان اسلامی مساحتی برابر کل وسعت قاره‌ی آفریقا خواهد داشت که خود به لحاظ سیاسی و استراتژیکی و از نقطه نظر ژئوپلیتیکی می‌تواند در حد بالائی حائز اهمیت باشد.

مطالعه‌ی حاضر به مقایسه‌ی تعداد جمعیت و برخی از ویژگی‌های جمعیتی کشورهای اسلامی پرداخته و سپس در هر شاخص جایگاه و موقعیت ایران را در میان کشورهای اسلامی نشان می‌دهد.

۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

یکی از راه‌های شناخت کشورهای اسلامی مطالعه‌ی کمی و کیفی جمعیت و بررسی شاخص‌های جمعیتی و اجتماعی آنها می‌باشد. شناخت و آگاهی از تغییر و تحولات جمعیتی جوامع، لازمه‌ی هرگونه برنامه‌ریزی برای آنها است، چون تمامی جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن جوامع با تعداد جمعیت و ویژگی‌های ساختاری آن پیوند خورده است. بدیهی است که برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بدون توجه به آمارهای

جمعیتی و شاخص‌های آن می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری به سرمایه و ثروت ملی این کشورها وارد نماید. مقایسه‌ی تعداد و کیفیت جمعیت و از جمله شاخص‌های جمعیتی کشورهای اسلامی (نظیر تعداد جمعیت، ساختار جمعیت، میزان موالید و باروری، میزان مرگ و میر و شاخص امید زندگی در بدو تولد، نسبت شهرنشینی و ...) مشخص خواهد کرد که وضع و موقعیت هر کشور از نظر متغیرهای جمعیتی و شاخص‌های مربوط چگونه است و می‌توان مقام ایران را در بین سایر کشورهای اسلامی نشان داد.

۳- اهداف تحقیق

اهداف تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

۱. بررسی وضعیت استقرار جغرافیایی کشورهای اسلامی در جهان؛
۲. بررسی کمی جمعیت کشورهای اسلامی و مساحت آن‌ها؛
۳. مطالعه‌ی ویژگی‌های جمعیتی کشورهای اسلامی نظیر ساختار جمعیت، میزان‌های موالید و باروری، میزان‌های مرگ و میر عمومی و میزان مرگ و میر کودکان و شاخص امید زندگی در بدو تولد، نسبت شهرنشینی و ...؛
۴. جایگاه کمی و کیفی جمعیت جمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای اسلامی.

۴- پرسش‌های اصلی تحقیق

این تحقیق در پی آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

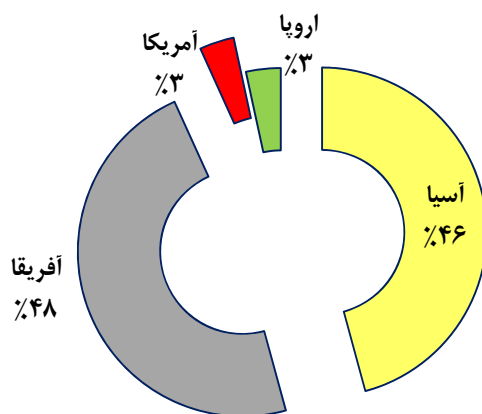
۱. کشورهای اسلامی در مجموع شامل چند کشور می‌شود و چند درصد از جمعیت و مساحت جهان را به خود اختصاص داده‌اند و در این میان ایران در چه رتبه‌ای قرار گرفته است؟
۲. در کشورهای اسلامی وضعیت کمی جمعیت (تعداد) چگونه است و ایران در مقایسه با آن‌ها در چه رتبه‌ای قرار گرفته است؟
۳. در کشورهای اسلامی وضعیت کیفی جمعیت (با تأکید بر شاخص‌های جمعیتی) چگونه است و ایران در مقایسه با آن‌ها در چه رتبه‌ای قرار گرفته است؟

۵- روش تحقیق

روش تحقیق مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. توضیح این که، منظور از مطالعه‌ی کتابخانه‌ای، مطالعه‌ای است که موضوعات مورد مطالعه در اختیار و دسترس محقق قرار نداشته و غالباً مربوط به گذشته‌ای دور یا نزدیک می‌شود. به همین دلیل اصطلاح «مطالعه‌ی کتابخانه‌ای» را مترادف با «مطالعه‌ی تاریخی» نیز به کار برده‌اند [۵]. اطلاعات مورد نیاز در این مطالعه نتایج آمار و ارقام سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ و نیز دیوارکوب جمعیت جهان در سال ۲۰۱۱ میلادی می‌باشد.

۶- وضعیت استقرار جغرافیایی کشورهای اسلامی

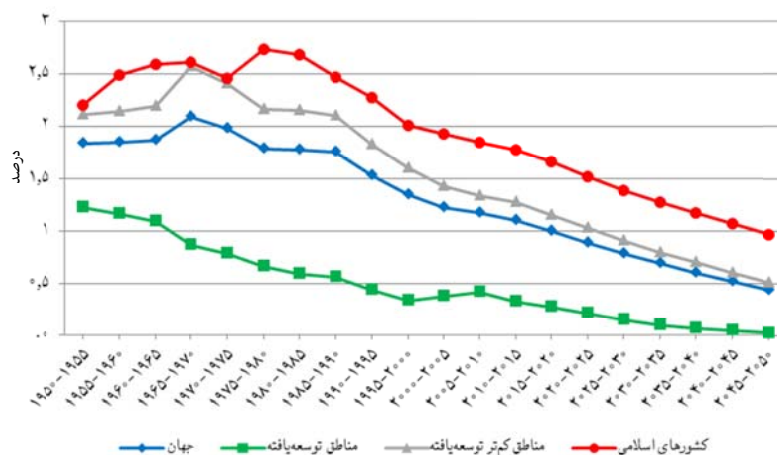
اغلب کشورهای اسلامی در قاره‌های آفریقا (۴۸ درصد) و آسیا (۴۶ درصد) استقرار یافته‌اند. دو کشور نیز در آمریکای جنوبی (۳ درصد) و دو کشور هم در اروپای جنوبی (۳ درصد) واقع شده‌اند. اسامی کشورهای اسلامی برحسب استقرار در مناطق مختلف جهان در جدول ۱ (بخش پیوست) آمده است.



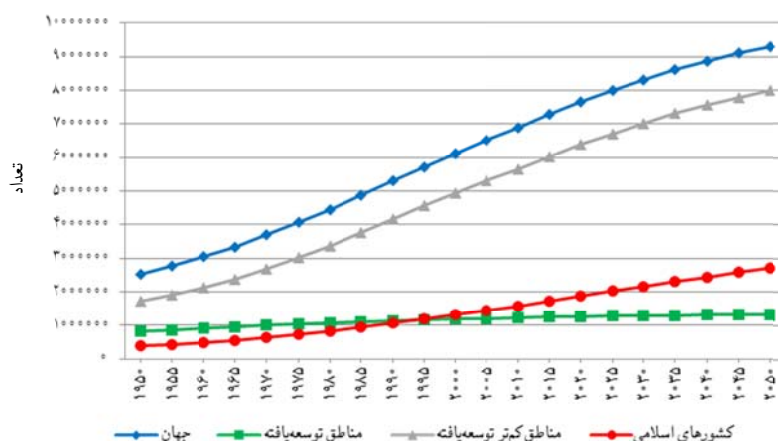
شکل ۱- توزیع نسبی کشورهای اسلامی بر حسب استقرار در قاره‌های مختلف

۷- بررسی کمی جمعیت کشورهای اسلامی

بررسی کمی جمعیت جهان نشان می‌دهد در چند دهه‌ی اخیر، جمعیت جهان به سرعت در حال افزایش بوده و از ۲/۵ میلیارد در سال ۱۹۵۰ میلادی (۱۳۳۱ شمسی) به حدود ۷ میلیارد نفر در سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰ شمسی) با رشد سالانه‌ای معادل ۱/۱ درصد بود. بدیهی است رشد بسیار بزرگ جمعیت جهان که در اواسط قرن بیستم شروع شد، هنوز به اتمام نرسیده و ظرفیت بالقوه برای افزایش جمعیت عظیم در سطح بالا هنوز باقی است. پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۵۰ یعنی ۳۹ سال دیگر به بیش از ۹/۵ میلیارد نفر برسد. شکل ۳ روند تغییرات جمعیت جهان و مناطق توسعه‌یافته و کم‌تر توسعه‌یافته و کشورهای اسلامی را در یک دوره‌ی زمانی ۱۰۰ ساله نشان می‌دهد. بر اساس این نمودار از حوالی سال ۱۹۹۰ جمعیت کشورهای مسلمان به جمعیت مناطق توسعه‌یافته نزدیک شده و سپس از آن پیشی گرفته است و ظاهراً این روند تا سال ۲۰۵۰ ادامه خواهد یافت. در حوالی سال ۱۹۵۰ میلادی جمعیت کشورهای مسلمان حدود ۴۰۰ میلیون نفر بود که در سال ۲۰۱۰ میلادی به حدود یک میلیارد و ششصد میلیون نفر رسید. به عبارتی در یک دوره‌ی زمانی ۶۰ ساله جمعیت این کشورها نزدیک به ۴ برابر شد در حالی که در همین دوره‌ی زمانی جمعیت جهان ۲/۷ برابر شد. مقایسه‌ی هرم‌های سنی جمعیت جهان در ۵۰ سال گذشته نشان می‌دهد در گذشته ساختمان سنی جمعیت جهان به شکل هرم گونه بوده است. اما با کاهش نسبت جمعیت جوان، در حال حاضر هرم سنی جمعیت جهان در حال تغییر به شکل استوانه‌ای می‌باشد. مقایسه‌ی رشد جمعیت جهان و مناطق توسعه‌یافته، کم‌تر توسعه‌یافته و کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که اولاً در مجموع رشد جمعیت جهان در حال کاهش می‌باشد و این کاهش برای تمام مناطق دنیا اتفاق افتاده و حداقل تا سال ۲۰۵۰ میلادی به روند خود ادامه خواهند داد. ثانیاً کشورهای اسلامی از گذشته‌ی دور تا کنون از رشد جمعیتی بالایی در مقایسه با سایر مناطق جهان برخوردار بوده‌اند. بر این اساس تا سال ۲۰۵۰ نیز کشورهای اسلامی دارای بالاترین میزان رشد جمعیت در جهان خواهند بود. در مقابل مناطق کم‌تر توسعه‌یافته، از حداقل مقدار رشد جمعیت از گذشته‌ی دور تا آینده برخوردار خواهند بود.



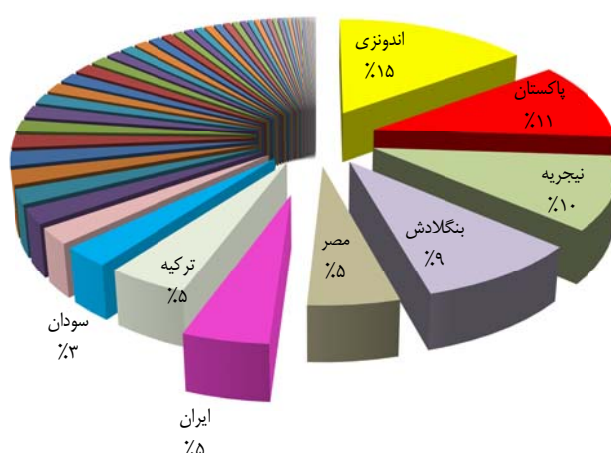
شکل ۲- مقایسه‌ی رشد جمعیت جهان و مناطق منتخب: ۱۹۵۰-۲۰۵۰ میلادی



شکل ۳- مقایسه‌ی تعداد جمعیت جهان و مناطق منتخب: ۱۹۵۰-۲۰۵۰ میلادی

در سال ۲۰۱۱ میلادی (۱۳۹۰ شمسی) جمعیت کشورهای اسلامی بیش از یک میلیارد و پانصد و نود و دو میلیون نفر بوده است. پرجمعیت‌ترین کشورهای اسلامی به ترتیب شامل کشور اندونزی با ۲۳۸/۲ میلیون، پاکستان با ۱۷۶/۹ و نیجریه با ۱۶۲/۳ میلیون نفر جمعیت است. در بین ۵۹ کشور اسلامی، ایران ششمین کشور پر جمعیت بوده و حدود ۵ درصد از جمعیت کشورهای اسلامی را شامل می‌شود. شایان ذکر است که بیش از ۶۰

درصد از کل جمعیت کشورهای اسلامی در هفت کشور اندونزی، پاکستان، نیجریه، بنگلادش، مصر، ایران و ترکیه ساکن هستند. در بین کشورهای کم جمعیت اسلامی می‌توان به بحرین و مالدیو هر کدام با جمعیت ۳۰۰ هزار، بروئنی با ۴۰۰ هزار و سورینام با ۵۰۰ هزار نفر جمعیت اشاره نمود [۱۷].

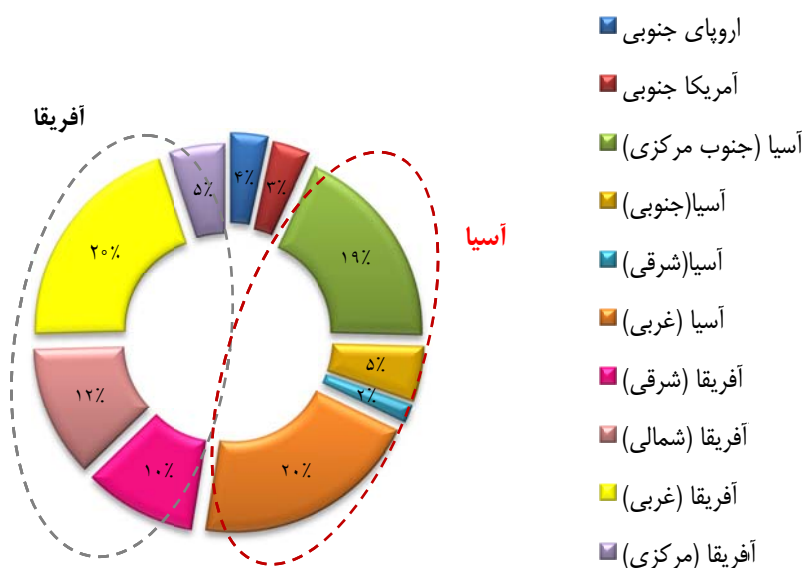


شکل ۴- توزیع نسبی جمعیت کشورهای اسلامی، سال ۱۳۹۰

۸- مساحت کشورهای اسلامی

یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌توان آن را در بررسی‌های جمعیتی به تعداد جمعیت پیوند داد، گستردگی نقاطی است که جمعیت آن پراکنده است. یک کشور وسیع می‌تواند پاسخگوی نیازهای جمعیت بیشتری باشد و یک کشور کوچک ممکن است به برخی از امکانات اقتصادی، به‌ویژه به معادن کشورهای دیگر نیازمند باشد. سطح اراضی کروی زمین برابر با ۱۴۸/۶۴۷ میلیون کیلومتر مربع است [۸]. کشورهای اسلامی دارای مساحتی بیش از ۲۹ میلیون کیلومتر مربع می‌باشند. به عبارتی بیش از ۵۶/۳ درصد از مساحت خشکی‌های کروی زمین را کشورهای اسلامی دربر می‌گیرند.

ایران از نظر وسعت، ششمین کشور اسلامی محسوب می‌شود. وسیع‌ترین کشورهای اسلامی قزاقستان با مساحت ۲۶۶۹۸۰۰ و الجزایر با وسعت ۲۳۸۱۷۴۰ کیلومتر مربع است و کم‌وسعت‌ترین کشور، مالدیو با وسعت ۳۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد. شکل ۵ مساحت کشورهای اسلامی برحسب استقرار در نقاط مختلف جغرافیایی جهان را نشان می‌دهد. بر این اساس می‌توان گفت از نظر قاره‌ای بیش از ۵۰ درصد مساحت کشورهای اسلامی در قاره‌ی آفریقا (۵۰/۲ درصد) و کم‌تر از نیمی در قاره‌ی آسیا (۴۸/۵ درصد) و ۴ درصد در اروپا و ۳ درصد در آمریکای جنوبی استقرار یافته‌اند. جمهوری اسلامی ایران با مساحت ۱۶۳۶۰۰۰ کیلومتر مربع رتبه‌ی ششم را در میان کشورهای اسلامی دارد و از این لحاظ جزء کشورهای پهناور اسلامی محسوب می‌شود. علاوه بر این ایران از نظر جغرافیایی و سیاسی و استراتژیکی در منطقه‌ی مهمی از جهان واقع شده است. به‌همین دلیل همواره در طول تاریخ مورد توجه قدرت‌های بزرگ جهانی بوده است.



شکل ۵- توزیع نسبی مساحت کشورهای اسلامی برحسب استقرار در مناطق مختلف جهان

۹- ویژگی کیفی جمعیت در کشورهای اسلامی

۹-۱- جوانی و سالمندی جمعیت

از نظر جمعیت شناختی سن و جنس اصلی‌ترین مؤلفه‌های تفاوت میان افراد می‌باشد که تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد. در مطالعات جمعیتی برای داشتن تصویری کلی از ساخت جمعیت، ساختار سنی جمعیت را می‌توان در سه گروه عمده سنی کم‌تر از ۱۵ سال، ۱۵-۶۴ سال و ۶۵ سال و بیش‌تر بررسی کرد.

بر اساس شاخص ورتهایم چنانچه ۴۰ درصد و بیش‌تر از جمعیت یک کشور را جمعیت کم‌تر از ۱۵ سال تشکیل دهد، جمعیت آن کشور به عنوان جمعیت جوان تلقی می‌شود [۶]. بر این اساس کشورهای نیجر با نسبت ۴۹، اوگاندا و مالی هر یک با نسبت ۴۸ درصد در زمره جوان‌ترین کشورهای اسلامی قرار می‌گیرند. در مقابل کشورهای مذکور، قطر با نسبت ۱۴، بوسنی و هرزگوین با نسبت ۱۵ و امارات متحده عربی با نسبت ۱۸ قرار دارند. نسبت مورد بحث در ایران برابر ۲۳ می‌باشد که در این حالت رتبه پنجاه و سوم را در میان کشورهای اسلامی حائز است.

در مطالعات جمعیت‌شناختی، سالمندی جمعیت به این معناست که نسبت افراد سالخورده به کل جمعیت در حال افزایش باشد. به عبارت دقیق‌تر، جمعیت رو به سوی سالمندی، جمعیتی است که بین ۷ تا ۱۴ درصد آن جمعیت را گروه‌های سنی ۶۵ ساله و بیش‌تر تشکیل دهند. این نسبت در جامعه سالمند بین ۱۴ تا ۲۰ درصد و در جمعیت سالخورده ۲۰ درصد و بیش‌تر می‌باشد.

نسبت جمعیت ۶۵ سال و بیش‌تر در سطح جهانی برابر با ۸ و در میان کشورهای اسلامی برابر با ۵ درصد است. بر اساس این تعاریف، جهان رو به سالمندی است، در حالی که کشورهای اسلامی هنوز وارد این مرحله نشده‌اند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد، در حال حاضر هیچ یک از کشورهای اسلامی هنوز سالخوردگی جمعیت را تجربه نکرده‌اند. کشور بوسنی و هرزگوین با دارا بودن ۱۴ درصد جمعیت ۶۵ ساله و بیش‌تر تنها کشور اسلامی است که وارد جامعه سالمند شده است. کشورهای سوریه، ترکیه، سورینام، لبنان، قزاقستان، آذربایجان و موریتانی نیز در آغاز ورود به «جمعیت رو به سالمندی» می‌باشند.

نسبت جمعیت ۶۵ ساله و بیش‌تر در ایران حدود ۶ می‌باشد که در این حالت رتبه‌ی یازدهم را در میان کشورهای اسلامی حائز است و هنوز مرحله‌ی ورود به «جمعیت رو به سالمندی» را آغاز نکرده است. اما پیش‌بینی می‌شود در دهه‌های آتی وارد این مرحله خواهد شد.

۹-۲- تراکم و ازدحام جمعیت

معمولاً تعداد افراد، نسبت به هر واحد از مساحت زمین را تراکم جمعیت می‌نامند. در حال حاضر تراکم جمعیت جهان ۴۸ نفر در هر کیلومتر مربع است. در کشورهای اسلامی تراکم جمعیت ۵۵ نفر در هر کیلومتر مربع می‌باشد. کشورهای اسلامی از نظر تراکم جمعیت نیز اوضاع متفاوتی دارند، به این اعتبار بحرین با داشتن ۱۹۲۵، مالدیو با داشتن ۱۰۹۱ و بنگلادش با داشتن ۱۰۴۶ نفر در هر کیلومتر مربع از پرازدحام‌ترین کشورهای اسلامی محسوب می‌شوند. در مقابل صحرای غربی با تراکم ۲، سورینام با تراکم ۳ و لیبی و گویان هریک با تراکم ۴ نفر در هر کیلومتر مربع از کم‌تراکم‌ترین کشورهای اسلامی می‌باشند. ایران از این نظر با دارا بودن تراکم نسبی ۴۶ نفر در هر کیلومتر مربع (بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰) مرتبه‌ی سی و پنجم را در میان ۵۹ کشور اسلامی داراست.

۹-۳- عوامل مؤثر در افزایش جمعیت

زاد و ولد و مرگ و میر بر تعداد جمعیت و نرخ رشد آن تأثیر می‌گذارد، هر چند عامل دیگری به نام مهاجرت از یک جامعه به جامعه‌ی دیگر نیز وجود دارد، ولی برای تشخیص رشد طبیعی هر جامعه‌ای نرخ‌های زاد و ولد، و مرگ و میر تعیین‌کننده است. بدیهی است مهاجرت از عوامل بیولوژیک تأثیرپذیر نیست و شتاب تغییرات آن تحت تأثیر عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی است. در اینجا ابتدا به میزان‌های ولادت (میزان خام ولادت) و فوت (میزان خام مرگ و میر) اشاره می‌شود.

الف- موالید

واقعیه‌ی تولد که برای جمعیت در معرض آن (مادران) واقعیه‌ای قابل تکرار محسوب می‌شود یکی از وقایع محوری و کلیدی و از عناصر مهم رشد جمعیت است. کاهش مستمر

آن باعث کاهش تعداد موالید و در نتیجه کاهش تعداد جمعیت در سنین پایین‌تر می‌شود و افزایش آن گسترش گروه‌های کم سال در هرم‌های سنی را به دنبال دارد. بر اساس برآوردهای مربوط به سال ۲۰۱۱ میلادی میزان ولادت در جهان برابر ۲۰٪ در هزار بوده است. یعنی هر ساله در مقابل هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت در جهان ۲۰ مورد تولد وجود دارد.

متغیر میزان ولادت که مستقیماً در بالا بردن رقم جمعیت اثر دارد در کشورهای مختلف متفاوت است. در مجموع در کشورهای اسلامی میزان ولادت برابر با ۲۷ در هزار می‌باشد که این رقم از سطح جهانی بالاتر می‌باشد. در کشورهای اسلامی بالاترین میزان ولادت مربوط به کشور نیجر با مقدار ۴۸ در هزار و پس از آن کشورهای اوگاندا با مقدار ۴۶ و مالی با مقدار ۴۵ در هزار و پائین‌ترین میزان ولادت مربوط به کشور بوسنی و هرزگوین با مقدار ۹ در هزار می‌باشد.

چنانچه ترتیب کشورها از نظر میزان ولادت به شکل صعودی در نظر گرفته شود، در این حالت کشوری که دارای کم‌ترین میزان ولادت است در مرتبه‌ی نخست قرار خواهد گرفت. با توجه به این ترتیب، ایران با دارا بودن میزان ولادت ۱۸ در هزار، در رتبه‌ی نهم کشورهای اسلامی قرار می‌گیرد.

ب- مرگ و میر

مرگ و میر از عوامل مهم تغییرات جمعیتی است که از طرفی به اوضاع و احوال اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و از طرف دیگر به عوامل جمعیتی بستگی دارد به‌گونه‌ای که اگر از اثر ساختار سنی جمعیت صرف نظر شود، میزان مرگ و میر عمومی در بین جمعیت‌هایی که از سطح بهداشت بالایی برخوردار هستند، پایین‌تر خواهد بود. بر اساس آمار به‌دست آمده، نوسانات میزان خام مرگ و میر در سال ۲۰۱۱ میلادی به صورت زیر بوده است:

میزان خام مرگ و میر جهان رقم ۸/۰ در هزار است. یعنی از هر هزار نفر در سال مورد بررسی، ۸ نفر فوت شده‌اند. این میزان در میان کشورهای اسلامی برابر ۸ در هزار بوده است. در کشورهای افغانستان، چاد، گینه بیسائو و نیجریه هر یک با رقم ۱۶ در هزار بالاترین میزان مرگ و میر را در مقایسه‌ی با کشورهای اسلامی داشته‌اند. کم‌ترین میزان مرگ و میر نیز در کشورهای قطر و امارات متحده عربی هر کدام با مقدار ۱ در هزار

به دست آمده است. به نظر می‌رسد از آن جایی که بخش قابل توجهی از جمعیت این کشورها مهاجران واقع در سنین کار از سایر کشورها می‌باشند و مرگ و میر در این سنین بسیار پایین است، به همین علت میزان مرگ و میر آن‌ها در سطح بسیار پایینی قرار گرفته است.

میزان خام مرگ و میر در ایران ۵/۶ در هزار برآورد شده است. با در نظر داشتن این میزان، ایران رتبه‌ی چهل و سوم را در میان کشورهای اسلامی دارا است. توضیح این که میزان خام مرگ و میر برای اندازه‌گیری رشد طبیعی جمعیت مناسب می‌باشد و شاخص خوبی برای مقایسه‌ی وضع سلامت و بهداشت در جامعه نمی‌باشد. چنانچه هدف بررسی وضع سلامتی و بهداشتی جامعه باشد از شاخص‌های دیگری نظیر میزان مرگ و میر کودکان زیر پنج سال و امید زندگی در بدو تولد استفاده می‌شود.

۴-۹- میزان رشد طبیعی جمعیت

میزان رشد طبیعی جمعیت از تفاوت بین میزان ولادت (CBR) و میزان خام مرگ و میر (CDR) حاصل می‌شود. اگر علاوه بر ولادت و مرگ و میر، عامل مهاجرت را نیز دخالت دهیم، میزان رشد واقعی جمعیت به دست می‌آید. میزان رشد جمعیت از عوامل مهمی است که در برنامه‌ریزی‌های مختلف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت باید در نظر گرفته شود.

رشد طبیعی جمعیت جهان، در سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰ شمسی) برابر ۱/۲ درصد در سال برآورد شده است. برای کشورهای اسلامی این رقم برابر با ۱/۸ درصد بوده است. این موضوع حاکی از آن است که کشورهای اسلامی از رشد طبیعی بالاتری در مقایسه با میانگین سطح جهانی برخوردار می‌باشند. بدیهی است که این شرایط ناشی از بالا بودن تعداد موالید در این کشورها، جوانی ساختار جمعیت و در نتیجه پایین بودن میزان مرگ و میر می‌باشد. در حالی که میزان رشد طبیعی برخی از کشورها رقمی منفی است. در این کشورها میزان ولادت آن‌قدر کاهش یافته که نه تنها جبران میزان و مرگ و میر را نمی‌کند، بلکه از آن نیز کم‌تر است.

در سال ۲۰۱۱ رشد طبیعی جمعیت در کشور بوسنی و هرزگوین برابر صفر، موریتانی برابر ۰/۵، آلبانی ۰/۶ و قطر ۱ درصد بوده است. بالاترین میزان رشد طبیعی جمعیت در همان

سال مربوط به کشور نیجر با ۳/۶ درصد، اوگاندا ۳/۴ درصد و بورکینافاسو مالی و یمن هریک با مقدار ۳/۱ درصد در سال بوده است. میزان رشد طبیعی جمعیت ایران بر پایه‌ی میزان ولادت ۱۸ در هزار و میزان خام مرگ و میر ۵/۶ در هزار، برابر ۱/۲ درصد در سال خواهد بود. با توجه به این رقم در میان کشورهای اسلامی، ایران رتبه‌ی پنجاهم را دارد.

۵-۹- مهاجرت

مهاجرت و بازتوزیع جمعیت از عوامل مهمی است که برنامه‌ریزان برای کنترل جمعیت، جهت دادن به جابه‌جایی‌های جمعیتی و نیز هدایت جمعیت به سوی قطب‌های مختلف اقتصادی به آن توجه دارند. در جمعیت‌شناسی مهاجرت به‌طور عام عبارت است از تغییر محل اقامت فرد از یک نقطه به نقطه‌ی دیگر. بر این اساس مهاجرت‌ها را می‌توان به دو گروه عمده‌ی مهاجران داخلی و مهاجران خارجی و یا بین‌المللی تقسیم کرد [۱].

در این مختصر فقط به میزان خالص مهاجرت خارجی اشاره می‌شود. در کشورهای اسلامی خالص مهاجرت برابر ۱۲ می‌باشد. کشورهای سومالی، گویان و لیبی به‌ترتیب با مقادیر ۱۲-، ۱۰-، ۸- در زمره‌ی کشورهای مهاجرفرست و کشورهای بحرین، قطر، کویت و امارات متحده‌ی عربی با مقادیر ۲۰ و ۱۹ و ۱۸ و ۱۱ جزو کشورهای مهاجرپذیر اسلامی محسوب می‌شوند.

شایان ذکر است در حال حاضر، بزرگ‌ترین چالش آمارهای جمعیت در ایران عدم وجود آمار رسمی جامع و قابل ارایه از مهاجرت‌ها به ویژه مهاجرت‌های بین‌المللی است. بررسی منابع مختلف نشان می‌دهد تا کنون در ایران آمار کامل و مناسبی در زمینه‌ی مهاجرت بین‌المللی تولید نشده است، در حالی که این آمار و بررسی شاخص‌های مرتبط با آن اهمیت به سزایی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در سطوح کلان و خرد کشور دارد. هر چند که از طریق سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن بخش کوچکی از آمار مهاجرت بین‌المللی تولید می‌شود اما با توجه به محدودیت‌های سرشماری این آمار، آمار کامل و دقیقی نیست و تا زمانی که با آمارهای ثبتي تلفیق نشود، نمی‌تواند در برنامه‌ریزی‌های مختلف اثربخش باشد. با وجود این سازمان ملل برآوردی از مهاجرت بین‌المللی در ایران داده که رقمی نزدیک به صفر است.

۶-۹- باروری کل

برای بررسی بُعد دیگری از روند افزایش جمعیت، علاوه بر میزان ولادت می‌توان شاخص دیگری به نام باروری کل را به کار گرفت. باروری کل، میانگین تعداد فرزندان است که یک زن در طول دوران باروری خود (معمولاً از ۱۵ تا ۴۹ سال سن) به دنیا می‌آورد. بر پایه‌ی این شاخص ملاحظه می‌شود زنان جهان در طول سال‌هایی که قابلیت باروری دارند، به‌طور متوسط ۲/۵ فرزند زنده به دنیا می‌آورند.

چنانچه ترتیب کشورها را از نظر میزان باروری کل به شکل صعودی در نظر بگیریم، در این حالت کشوری که دارای کم‌ترین میزان ولادت است در مرتبه‌ی نخست قرار خواهد گرفت.

در میان کشورهای اسلامی، حداکثر میزان باروری کل در کشور نیجر ۷/۰، سپس در مالی، سومالی و اوگاندا هریک با مقدار ۶/۴ فرزند دیده شده است. در حالی که به‌طور متوسط زنان بوسنی و هرزگوین ۱/۳ و آلبانی ۱/۴ و موریتانی ۱/۵ فرزند به دنیا می‌آورند. زنان ایرانی با داشتن میزان باروری کل ۱/۸ فرزند رتبه‌ی ششم را در میان ۵۹ کشور دارا هستند. بر این اساس ایران دارای باروری پایین‌تر از نرخ جانشینی محسوب می‌شود.

۷-۹- امید زندگی در بدو تولد

یکی از شاخص‌های مهم جمعیتی که در ارزیابی وضع توسعه‌یافتگی کشورها و مناطق به کار می‌رود، امید زندگی در بدو تولد است. امید زندگی در بدو تولد عبارت است از متوسط تعداد سال‌های عمر که انتظار می‌رود از بدو تولد و تحت شرایط جاری مربوط به مرگ و میر، فردی زنده بماند.

میانگین سال‌های امید زندگی جهان در سال ۲۰۱۱ برابر ۷۰ سال است. در کشورهای اسلامی حداکثر تعداد سال‌های امید زندگی در بدو تولد در بروئنی و قطر هر یک با مقدار ۷۸ سال و در امارات متحده‌ی عربی و بوسنی هرزگوین هر یک با مقدار ۷۶ سال است. حداقل تعداد سال‌های امید زندگی در بدو تولد در کشور افغانستان با مقدار ۴۴ سال سن گزارش شده است.

امید زندگی در ایران برای سال ۱۳۹۰ برابر ۷۳ سال برآورد شده است. با در نظر داشتن این رقم در بین کشورهای اسلامی، ایران رتبه‌ی شانزدهم را دارا است.

۸-۹- مرگ و میر اطفال کم‌تر از یک سال

از شاخص‌هایی که تا حدودی بیانگر وضع بهداشتی نقاط مختلف است، میزان مرگ و میر اطفال کم‌تر از یک سال می‌باشد.

آگاهی از سطح مرگ و میر کودکان زیر یک سال (IMR) نه تنها در جمعیت‌شناسی بلکه در سایر علوم به ویژه دانش پزشکی از مطلوبیت خاصی برخوردار است. اهمیت مطالعه‌ی این شاخص بنا به دلایل متعدد از جمله موارد زیر بسیار روشن است:

۱- یکی از حساس‌ترین شاخص‌های بهداشتی و پزشکی است و میزان دسترسی به تسهیلات بهداشتی و پزشکی را در یک جمعیت نشان می‌دهد.

۲- مرگ و میر را در بخشی از جمعیت که از نقطه‌نظر محاسبه‌ی امید زندگی در بدو تولد خیلی حساس است، اندازه‌گیری می‌کند.

۳- هر کاهشی در میزان مرگ و میر یک جامعه در درجه‌ی اول و به میزان زیادی بستگی به مرگ و میر کودکان دارد و از طریق آن بر توزیع سنی جمعیت اثر می‌گذارد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۱ در جهان از هر هزار تولد ۴۴ مورد آن در سال اول زندگی فوت می‌کنند.

حداکثر میزان مرگ و میر اطفال در بین کشورهای اسلامی در کشور افغانستان با مقدار ۱۳۱ در هزار و حداقل آن در کشور بوسنی و هرزگوین با مقدار ۶ در هزار گزارش شده است.

در سال ۲۰۱۱ برای ایران مرگ و میر اطفال کم‌تر از یکسال در حدود ۲۱ در هزار برآورد شده و با توجه به این میزان، ایران در میان کشورهای اسلامی، رتبه‌ی چهارم را دارا است.

۹-۹- نسبت شهرنشینی و روستائینی

مطالعات نشان می‌دهد که نسبت شهرنشینی در سطح جهان رو به افزایش است. افزایش نسبت شهرنشینی در دهه‌های اخیر سرعت بیش‌تری را در مقایسه با گذشته داشته است. این نسبت از ۲۹ درصد در سال ۱۹۵۰ میلادی به ۴۸/۴ درصد در سال ۲۰۱۰ رسیده و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۵۰ به ۶۷/۲ درصد برسد. بدیهی است که این روند برای

روستانشینی حالت عکس دارد. بدین ترتیب که این نسبت در سال ۱۹۵۰ میلادی از ۷۱ درصد به ۵۱/۶ درصد در سال ۲۰۱۰ رسیده است. در کشورهای اسلامی کم‌ترین نسبت شهرنشینی در کشور اوگاندا از ۱۵ درصد شروع شده و بیش‌ترین مقدار آن در کشورهای بحرین و قطر به ۱۰۰ ختم می‌شود. در سطح جهانی در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ نسبت شهرنشینی و روستانشینی با هم برابر شدند. به عبارتی دیگر نسبت شهرنشینی و روستانشینی برابر ۵۰ درصد شد. این وضعیت برای ایران ۳۰ سال پیش یعنی در سال ۱۳۵۹ رخ داده است. بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ نسبت شهرنشینی ایران ۷۰ بوده است. بنابراین از نظر نسبت شهرنشینی ایران مقام شانزدهم را در میان کشورهای اسلامی داراست. نتیجه آن که گرچه در سطح جهانی در حال حاضر نسبت شهرنشینی و روستانشینی با هم برابر شده لیکن در ایران طی ۵۰ سال گذشته روند شهرنشینی و روستانشینی یک الگوی ضربدری را به تصویر کشیده است. به نظر می‌رسد روند افزایشی شهرنشینی در ایران همچنان ادامه یابد و انتظار می‌رود که در پایان قرن حاضر (۱۴۰۰ شمسی) این نسبت بالغ بر ۷۵ درصد شود.

۱۰- بحث و نتیجه‌گیری

گرچه در حال حاضر اغلب کشورهای اسلامی جزو مناطق کم‌تر توسعه‌یافته جهان محسوب می‌شوند اما با همکاری و هماهنگی مشترک می‌توانند ظرفیت‌های بالقوه‌ی خود را توانایی‌های بالفعل درآورده و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قطب‌های سیاسی، اقتصادی، صنعتی و تجاری جهان تبدیل شوند.

کشورهای اسلامی دارای مساحتی بیش از ۲۹ میلیون کیلومتر مربع می‌باشند. به عبارتی بیش از ۵۶/۳ درصد از مساحت خشکی‌های کره‌ی زمین را کشورهای اسلامی در بر می‌گیرند. از نظر تعداد جمعیت نیز ۲۲/۷ درصد جمعیت جهان را در سال ۲۱۱ میلادی مسلمانان تشکیل داده‌اند.

بنا بر این محدوده‌ی مورد بررسی حدود ۵۶/۳ درصد از مساحت خاکی جهان را در بر گرفته و از نظر جمعیتی حدود ۲۳ درصد از کل جمعیت جهان را درون خود جای داده است. بر این اساس تراکم جمعیت کشورهای اسلامی برابر ۵۵ نفر در هر کیلومتر مربع می‌باشد که از تراکم جمعیت جهان (برابر ۴۸ نفر در هر کیلومتر مربع) بالاتر است.

بررسی‌ها نشان داد در جهان اسلام قدرتمندترین و توسعه‌یافته‌ترین کشورها لزوماً پرجمعیت‌ترین کشورها نبوده‌اند. به عنوان مثال در حال حاضر جمعیت پاکستان بیش از ۶ برابر جمعیت کشور مالزی است. در حالی که از نظر توسعه‌ی انسانی و اقتصادی بین این دو کشور تفاوت‌های زیادی وجود دارد. علاوه بر این بسیاری از کشورهای اروپایی که از نظر رفاه عمومی در سطوح بالایی هستند جمعیتی معادل جمعیت ایران و یا کم‌تر دارند. بنابراین به نظر می‌رسد که راه رشد و توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی و رسیدن به قدرت بین‌المللی و ثروت تنها از طریق رسیدن به اندازه‌های بزرگ جمعیت هموار نمی‌شود. با توجه به آنچه تاکنون توضیح داده شد رتبه‌ی ایران در میان کشورهای اسلامی در سال ۲۰۱۱ میلادی در موارد مختلف جمعیتی به شرح زیر می‌باشد:

رتبه‌ی ایران در میان ۵۹ کشور اسلامی	شرح
ششم	جمعیت
ششم	مساحت (به کیلومتر مربع)
سی و پنجم	تراکم جمعیت (نفر به کیلومتر مربع)
پنجاه و سوم	جوانی جمعیت (براساس تست ورتهایم)
یازدهم	سالمندی جمعیت (نسبت جمعیت ۶۵ سال و بیش‌تر)
نهم	میزان خام موالید CBR (در هزار)
چهل و سوم	میزان مرگ و میر CDR (در هزار)
پنجاهم	میزان رشد طبیعی جمعیت (درصد)
ششم	باروری کل TFR (فرزند)
شانزدهم	امید زندگی در بدو تولد e_0 (سال)
چهارم	میزان مرگ و میر کودکان کم‌تر از یک سال MIR
	(در هزار) (از بدترین حالت به بهترین حالت)
شانزدهم	شاخص شهرنشینی (درصد)

به این ترتیب ملاحظه می‌شود ایران از جمله کشورهای پرجمعیت و پهناور منطقه محسوب می‌شود. ایران از نظر شاخص‌های کیفی جمعیت نیز در جایگاه نسبتاً مناسبی در میان کشورهای اسلامی قرار گرفته است. با وجود این لازم است با افزایش شاخص امید زندگی

در بدو تولد و کاهش سطح مرگ و میر کودکان کم‌تر از یک سال تلاش بیش‌تری نموده و از این حیث جایگاه خود را در منطقه ارتقاء دهد.

علاوه بر این در حال حاضر شرایط جمعیتی کشور برای افزایش رشد اقتصادی و گام برداشتن در مسیر توسعه کاملاً مهیا است و در وضعیت بسیار مناسب و مستعدی از نظر ویژگی‌های جمعیتی در مقایسه با سایر کشورهای اسلامی قرار گرفته است. به عبارتی، بیش از دو سوم یا حدود ۷۰ درصد جمعیت کشور در سنین فعالیت اقتصادی است، موهبت جمعیتی است که از رهگذر کاهش سطح باروری به دست آمده است. این که تا چه اندازه از این فرصت استفاده شده و خواهد شد به برنامه‌ریزی و مدیریت این کار مربوط است. شرایطی که برخی از کشورهای آسیایی و اروپایی در دهه‌های گذشته از آن برخوردار شدند و از آن حداکثر استفاده را کرده و بر سرعت رشد توسعه‌ی اقتصادی خود افزودند. بدیهی است ایران نیز در صورت فراهم نمودن زیرساخت‌های لازم برای جمعیت جوان و تحصیل کرده خود، می‌تواند حداکثر بهره‌برداری را بنماید.

مرجع‌ها

- [۱] زنجانی، حبیب‌الله و دیگران (۱۳۷۶). تحلیل جمعیت، انتشارات سمت، تهران.
- [۲] ساروخانی، باقر (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، اصول و مبانی، چاپ اول، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
- [۳] سرایی، حسن (۱۳۸۲). روش‌های مقدماتی تحلیل توزیع و ترکیب جمعیت با تأکید بر ترکیب سنی جمعیت، انتشارات دانشگاه علامه‌ی طباطبائی، تهران.
- [۴] مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۹۰-۱۳۵۵.
- [۵] نیک خلق، علی اکبر و وثوقی، منصور (۱۳۷۰). مبانی جامعه‌شناسی، انتشارات خردمند، تهران.
- [۶] ژوزئه، دوکاسترو (۱۳۴۶). انسان گرسنه، ترجمه منیزجونی (مهران)، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تهران.

[7] <http://esa.un.org>

[8] <http://worldmap.com>.

[9] <http://www.census.gov/cgi-bin/ipc/idbrank.pl>

[10] <http://www.en.wikipedia.org>.

[11] <http://www.fathielham.blogfa.com>

- [12] <http://www.nocrir.com>
- [13] <http://www.prb.org>
- [14] <http://www.uis.unesco.org>
- [15] Human Development, Report 2011
- [16] world population data sheet, population reference bureau 2011
- [17] U.S Census Bureau, International Data Base

الهام فتحی

فوق لیسانس جمعیت‌شناسی

تهران، خیابان فاطمی، خیابان رهی معیری، مرکز آمار ایران

رایانشانی: fathiel@yahoo.com

پیوست‌ها

جدول ۱- فهرست کشورهای اسلامی برحسب استقرار در مناطق مختلف جهان

آسیا	سومالی	آفریقا (شرقی)
ازبکستان	گومور	آفریقا (شرقی)
افغانستان	موریتانی	آفریقا (شرقی)
امارات متحده عربی	موازمبیک	آفریقا (شرقی)
ایران	الجزایر	آفریقا (شمالی)
بنگلادش	تونس	آفریقا (شمالی)
کویت	صحرای غربی	آفریقا (شمالی)
پاکستان	سودان	آفریقا (شمالی)
تاجیکستان	لیبی	آفریقا (شمالی)
ترکمنستان	مراکش	آفریقا (شمالی)
قرقیزستان	مصر	آفریقا (شمالی)
قزاقستان	بنین	آفریقا (غربی)
مالدیو	بورکینافاسو	آفریقا (غربی)
اندونزی	توگو	آفریقا (غربی)
برونئی	ساحل عاج	آفریقا (غربی)
مالزی	سنگال	آفریقا (غربی)
آذربایجان	سیرالئون	آفریقا (غربی)
اردن	گامبیا	آفریقا (غربی)
بحرین	گینه	آفریقا (غربی)
ترکیه	گینه بیسائو	آفریقا (غربی)
سوریه	مالی	آفریقا (غربی)
عراق	نیجر	آفریقا (غربی)
عربستان سعودی	نیجریه	آفریقا (غربی)
عمان	چاد	آفریقا (مرکزی)
فلسطین	کامرون	آفریقا (مرکزی)
قطر	گابن	آفریقا (مرکزی)
لبنان	آمریکا و اروپا	
یمن	گویان	آمریکا (جنوبی)
آفریقا	سورینام	آمریکا (جنوبی)
اوگاندا	بوسنی و هرزگوین	اروپا (جنوبی)
جیبوتی	آلبانی	اروپا (جنوبی)

جدول ۲- کشورهای اسلامی به ترتیب مساحت - سال ۲۰۱۱

نام کشور	مساحت (کیلومترمربع)	نام کشور	مساحت (کیلومترمربع)
۱- قزاقستان	۲,۶۶۹,۸۰۰	۳۱- اوگاندا	۱۹۹,۷۱۰
۲- الجزایر	۲,۳۸۱,۷۴۰	۳۲- گویان	۱۹۶,۸۵۰
۳- سودان	۲,۳۷۶,۰۰۰	۳۳- سنگال	۱۹۲,۰۰۰
۴- عربستان	۲,۱۴۹,۶۹۰	۳۴- قرقیزستان	۱۹۱,۳۰۰
۵- اندونزی	۱,۸۲۶,۴۴۰	۳۵- سوریه	۱۸۴,۰۵۰
۶- ایران	۱,۶۳۶,۰۰۰	۳۶- سورینام	۱۶۱,۴۷۰
۷- نیجر	۱,۲۶۶,۷۰۰	۳۷- تونس	۱۵۵,۳۶۰
۸- چاد	۱,۲۵۹,۲۰۰	۳۸- تاجیکستان	۱۴۲,۷۰۰
۹- موریتانی	۱,۰۳۰,۴۰۰	۳۹- بنگلادش	۱۳۳,۹۱۰
۱۰- مصر	۹۹۵,۴۵۰	۴۰- بنین	۱۱۰,۶۲۰
۱۱- نیجریه	۹۱۰,۷۶۸	۴۱- لیبی	۹۶,۳۲۰
۱۲- موزامبیک	۷۸۴,۰۹۰	۴۲- اردن	۹۱,۹۷۱
۱۳- پاکستان	۷۷۸,۷۲۰	۴۳- آذربایجان	۸۶,۱۰۰
۱۴- ترکیه	۷۷۰,۷۶۰	۴۴- امارات متحده عربی	۸۳,۶۰۰
۱۵- افغانستان	۶۴۷,۵۰۰	۴۵- سیرالئون	۷۱,۶۲۰
۱۶- سومالی	۶۲۷,۳۳۷	۴۶- توگو	۵۴,۳۸۵
۱۷- یمن	۵۲۷,۹۷۰	۴۷- بوسنی و هرزگوین	۵۱,۱۹۷
۱۸- ترکمنستان	۴۸۸,۱۰۰	۴۸- مالی	۳۳,۳۷۱
۱۹- کامرون	۴۶۹,۴۴۰	۴۹- گینه بیسائو	۲۸,۰۰۰
۲۰- مراکش	۴۴۶,۳۰۰	۵۰- آلبانی	۲۷,۳۹۸
۲۱- عراق	۴۳۲,۱۶۲	۵۱- جیبوتی	۲۲,۹۸۰
۲۲- ازبکستان	۴۲۵,۴۰۰	۵۲- کویت	۱۷,۸۲۰
۲۳- مالزی	۳۲۸,۵۵۰	۵۳- قطر	۱۱,۴۳۷
۲۴- ساحل عاج	۳۱۸,۰۰۰	۵۴- لبنان	۱۰,۲۳۰
۲۵- فلسطین	۲۹۸,۱۷۰	۵۵- گامبیا	۱۰,۰۰۰
۲۶- بورکینافاسو	۲۷۳,۸۰۰	۵۶- برونی	۵,۲۷۰
۲۷- صحرای غربی	۲۶۶,۰۰۰	۵۷- کومور	۲,۱۷۰
۲۸- گابن	۲۵۷,۶۶۷	۵۸- بحرین	۶۶۵
۲۹- گینه	۲۴۵,۸۵۷	۵۹- مالدیو	۳۰۰
۳۰- عمان	۲۱۲,۴۶۰	کشورهای اسلامی	۲۹,۱۵۶,۰۷۸

منبع: ۱ PRB. www

جدول ۳- جمعیت کشورهای اسلامی به ترتیب تعداد جمعیت- برآورد سال ۲۰۱۱

نام کشور	جمعیت (به میلیون نفر)	نام کشور	جمعیت (به میلیون نفر)
۱- اندونزی	۲۳۸,۲	۳۱- آذربایجان	۹,۲
۲- پاکستان	۱۷۶,۹	۳۲- بنین	۹,۱
۳- نیجریه	۱۶۲,۳	۳۳- امارات متحده عربی	۷,۹
۴- بنگلادش	۱۵۰,۷	۳۴- تاجیکستان	۷,۵
۵- مصر	۸۲,۶	۳۵- اردن	۶,۶
۶- ایران	۷۵,۱	۳۶- لیبی	۶,۴
۷- ترکیه	۷۴	۳۷- توگو	۵,۸
۸- سودان	۴۴,۶	۳۸- قرقیزستان	۵,۶
۹- الجزایر	۳۶	۳۹- سیرالئون	۵,۴
۱۰- اوگاندا	۳۴,۵	۴۰- ترکمنستان	۵,۱
۱۱- عراق	۳۲,۷	۴۱- لبنان	۴,۳
۱۲- افغانستان	۳۲,۴	۴۲- فلسطین	۴,۲
۱۳- مراکش	۳۲,۳	۴۳- بوسنی و هرزگوین	۳,۸
۱۴- مالزی	۲۸,۹	۴۴- آلبانی	۳,۲
۱۵- ازبکستان	۲۸,۵	۴۵- عمان	۳
۱۶- عربستان سعودی	۲۷,۹	۴۶- کویت	۲,۸
۱۷- یمن	۲۳,۸	۴۷- گامبیا	۱,۸
۱۸- موزامبیک	۲۳,۱	۴۸- قطر	۱,۷
۱۹- ساحل عاج	۲۲,۶	۴۹- گینه بیسائو	۱,۶
۲۰- سوریه	۲۲,۵	۵۰- گابن	۱,۵
۲۱- کامرون	۲۰,۱	۵۱- موریتانی	۱,۳
۲۲- بورکینافاسو	۱۷	۵۲- جیبوتی	۰,۹
۲۳- قزاقستان	۱۶,۶	۵۳- گومور	۰,۸
۲۴- نیجر	۱۶,۱	۵۴- گویان	۰,۸
۲۵- مالی	۱۵,۴	۵۵- صحرای غربی	۰,۵
۲۶- سنگال	۱۲,۸	۵۶- سورینام	۰,۵
۲۷- چاد	۱۱,۵	۵۷- بروئنی	۰,۴
۲۸- تونس	۱۰,۷	۵۸- مالدیو	۰,۳
۲۹- گینه	۱۰,۲	۵۹- بحرین	۰,۳
۳۰- سومالی		کل جمعیت کشورهای اسلامی	۱,۵۹۲,۲
	۹,۹		

جدول ۴- کشورهای اسلامی به ترتیب تراکم جمعیت - برآورد سال ۲۰۱۱ (نفر در کیلومتر مربع)

نام کشور	تراکم جمعیت	نام کشور	تراکم جمعیت
۱- بحرین	۱,۹۲۵	۳۱- ازبکستان	۶۴
۲- مالدیو	۱,۰۹۱	۳۲- بوركینافاسو	۶۲
۳- بنگلادش	۱,۰۴۶	۳۳- تاجیکستان	۵۳
۴- فلسطین	۶۹۲	۳۴- افغانستان	۵۰
۵- موریتانی	۶۳۰	۳۵- ایران	۴۶
۶- لبنان	۴۱۰	۳۶- گینه بیسائو	۴۵
۷- پاکستان	۲۲۲	۳۷- یمن	۴۵
۸- نیجریه	۱۷۶	۳۸- کامرون	۴۲
۹- کویت	۱۵۸	۳۹- گینه	۴۲
۱۰- قطر	۱۵۷	۴۰- جیبوتی	۳۹
۱۱- اوگاندا	۱۴۳	۴۱- کومور	۳۹
۱۲- ترکیه	۱۲۲	۴۲- موزامبیک	۲۹
۱۳- سوریه	۱۲۲	۴۳- قرقیزستان	۲۸
۱۴- آلبانی	۱۱۱	۴۴- اندونزی	۲۶
۱۵- آذربایجان	۱۰۵	۴۵- سودان	۱۸
۱۶- گامبیا	۱۰۵	۴۶- سومالی	۱۶
۱۷- توگو	۱۰۳	۴۷- الجزایر	۱۵
۱۸- امارات متحده عربی	۹۴	۴۸- عربستان	۱۳
۱۹- مالزی	۸۸	۴۹- نیجر	۱۳
۲۰- مصر	۸۳	۵۰- مالی	۱۲
۲۱- بنین	۸۱	۵۱- ترکمنستان	۱۰
۲۲- سیرالئون	۷۵	۵۲- عمان	۱۰
۲۳- عراق	۷۵	۵۳- چاد	۹
۲۴- بوسنی و هرزگوین	۷۵	۵۴- قزاقستان	۶
۲۵- اردن	۷۴	۵۵- گابن	۶
۲۶- مراکش	۷۲	۵۶- گویان	۴
۲۷- بروئنی	۷۱	۵۷- لیبی	۴
۲۸- ساحل عاج	۷۰	۵۸- سورینام	۳
۲۹- تونس	۶۵	۵۹- صحرای غربی	۲
۳۰- سنگال	۶۵	کشورهای اسلامی	۵۵

منبع: World Population Datasheet 2011

جدول ۵- کشورهای اسلامی به ترتیب میزان باروری کل- برآورد سال ۲۰۱۱ (فرزند)

نام کشور	میزان باروری کل	نام کشور	میزان باروری کل
۱- بوسنی و هرزگوین	۱,۳	۳۱- تاجیکستان	۳,۴
۲- آلبانی	۱,۴	۳۲- گابن	۳,۴
۳- موریتانی	۱,۵	۳۳- پاکستان	۳,۶
۴- برونی	۱,۷	۳۴- جیبوتی	۳,۷
۵- امارات متحده عربی	۱,۸	۳۵- اردن	۳,۸
۶- ایران	۱,۸	۳۶- صحرای غربی	۴,۳
۷- بحرین	۱,۹	۳۷- سودان	۴,۵
۸- ترکیه	۲,۱	۳۸- فلسطین	۴,۶
۹- تونس	۲,۱	۳۹- توگو	۴,۷
۱۰- قطر	۲,۱	۴۰- سنگال	۴,۷
۱۱- لبنان	۲,۱	۴۱- عراق	۴,۷
۱۲- مراکش	۲,۲	۴۲- کامرون	۴,۸
۱۳- آذربایجان	۲,۳	۴۳- کومور	۴,۸
۱۴- الجزایر	۲,۳	۴۴- ساحل عاج	۴,۹
۱۵- اندونزی	۲,۳	۴۵- سیرالئون	۵
۱۶- سورینام	۲,۳	۴۶- گامبیا	۵
۱۷- کویت	۲,۳	۴۷- گینه	۵,۳
۱۸- بنگلادش	۲,۴	۴۸- یمن	۵,۳
۱۹- مالدیو	۲,۴	۴۹- بنین	۵,۴
۲۰- لیبی	۲,۵	۵۰- موازمبیک	۵,۶
۲۱- مالزی	۲,۶	۵۱- نیجریه	۵,۷
۲۲- ازبکستان	۲,۷	۵۲- بوركینافاسو	۵,۸
۲۳- ترکمنستان	۲,۷	۵۳- گینه بیسائو	۵,۸
۲۴- قزاقستان	۲,۷	۵۴- چاد	۶
۲۵- گویان	۲,۷	۵۵- افغانستان	۶,۳
۲۶- عربستان	۲,۹	۵۶- اوگاندا	۶,۴
۲۷- مصر	۲,۹	۵۷- سومالی	۶,۴
۲۸- قرقیزستان	۳	۵۸- مالی	۶,۴
۲۹- سوریه	۳,۲	۵۹- نیجر	۷
۳۰- عمان	۳,۳		

منبع: World Population Datasheet 2011

جدول ۶- کشورهای اسلامی به ترتیب شاخص امیدزندگی در بدو تولد- برآورد سال ۲۰۱۱ (سال)

نام کشور	امید زندگی در بدو تولد	نام کشور	امید زندگی در بدو تولد
۱- برونی	۷۸	۳۱- عراق	۶۹
۲- قطر	۷۸	۳۲- قرقیزستان	۶۹
۳- امارات متحده عربی	۷۶	۳۳- قزاقستان	۶۹
۴- بوسنی و هرزگوین	۷۶	۳۴- ازبکستان	۶۷
۵- آلبانی	۷۵	۳۵- پاکستان	۶۵
۶- بحرین	۷۵	۳۶- یمن	۶۵
۷- تونس	۷۵	۳۷- ترکمنستان	۶۳
۸- لیبی	۷۵	۳۸- گابن	۶۳
۹- ترکیه	۷۴	۳۹- توگو	۶۲
۱۰- ساحل عاج	۷۴	۴۰- سودان	۶۲
۱۱- سوریه	۷۴	۴۱- کومور	۶۱
۱۲- کویت	۷۴	۴۲- صحرای غربی	۶۱
۱۳- مالزی	۷۴	۴۳- سنگال	۵۹
۱۴- اردن	۷۳	۴۴- گامبیا	۵۹
۱۵- الجزایر	۷۳	۴۵- جیبوتی	۵۸
۱۶- ایران	۷۳	۴۶- بنین	۵۶
۱۷- عربستان	۷۳	۴۷- بوركینافاسو	۵۶
۱۸- عمان	۷۳	۴۸- نیجر	۵۵
۱۹- مالدیو	۷۳	۴۹- اوگاندا	۵۴
۲۰- مصر	۷۳	۵۰- گینه	۵۴
۲۱- موریتانی	۷۳	۵۱- سیرالئون	۵۳
۲۲- آذربایجان	۷۲	۵۲- مالی	۵۲
۲۳- تاجیکستان	۷۲	۵۳- موازمبیک	۵۲
۲۴- فلسطین	۷۲	۵۴- نیجریه	۵۲
۲۵- لبنان	۷۲	۵۵- سومالی	۵۱
۲۶- مراکش	۷۲	۵۶- کامرون	۵۱
۲۷- اندونزی	۷۱	۵۷- چاد	۵۰
۲۸- سورینام	۷۱	۵۸- گینه بیسائو	۴۸
۲۹- گویان	۷۰	۵۹- افغانستان	۴۴
۳۰- بنگلادش	۶۹		

منبع: World Population Datasheet 2011